

نقش جرائم سازمان یافته در حوزه ورزش به منظور تامین مالی تروریسم و سازکار مقابله با آن

رضا ابوالحسنی^۱، تهمورث بشیریه^۲، مهدی یوسفی صادقلو^۳

چکیده

امروزه پیوند بین تروریسم و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته در سطوح ملی و بین‌المللی، به یک چالش جهانی تبدیل شده و تعامل این دو پدیده در بستر ورزش، ابزاری برای حمایت مالی از تروریسم ایجاد کرده است. جامعه جهانی ورزش نگران نتایج زیان‌بار این پیوند بوده و معتقد است شناسایی نقاط هم‌گرایی این پیوند و همکاری دولت‌ها و نهادهای مدنی برای پاکسازی ورزش از تروریسم ضروری است. پژوهش حاضر با لحاظ این ضرورت، به روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، در پاسخ به این سوال که چگونه ورزش با نقش‌آفرینی گروه‌های مجرمانه سازمان یافته فراملی به ابزار تامین مالی تروریسم تبدیل شده است و راهکارهای جامعه جهانی در مقابله با این پدیده چیست؛ ضمن اثبات این که تروریسم با کمک برخی گروه‌های مجرمانه فعال در حوزه ورزش، به دنبال استفاده از منافع مالی موجود در این حوزه است و درآمد امور مجرمانه‌ای چون قاچاق مواد مخدر و سلاح نیز پس از پول‌شویی از مسیر ورزش می‌تواند به بستر تروریسم منتقل شود، نتیجه می‌گیرد که جامعه جهانی باید ضمن ایجاد هماهنگی بین قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی و مبارزه با فساد اداری، مسیرهای تامین مالی تروریسم در بستر ورزش را شناسایی و نهادهای مدنی را در این راستا تقویت کند. شفافیت حکمرانی نیز می‌تواند نقطه عطف شکست تعامل سه جانبه گروه مجرمانه، تروریسم و ورزش باشد.

واژگان کلیدی: تروریسم، گروه مجرمانه فراملی، ورزش، شفافیت، تامین مالی

تروریسم، پول‌شویی

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد بین‌الملل کیش (نویسنده مسئول)
rezaab81155@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی
tahmoors_b@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور

m_yousefi_2005@pnu.ac.ir

درآمد

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه جهانی در مسیر مبارزه با تروریسم، رابطه سازمان‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه فراملی است.^۱ برخی معتقدند تحولات جهانی پس از اتمام جنگ سرد جهانی شدن و تامین مالی گروه‌های تروریستی باعث شده است تا رابطه بین گروه‌های مجرمانه سازمان یافته فراملی فعال در جرائمی نظیر قاچاق سلاح و مواد مخدر، آدم‌ربایی، پول‌شویی، جعل و ... با تروریسم پررنگ‌تر و پیچیده‌تر از گذشته شود. البته بعضی این ارتباط را اغراق‌آمیز دانسته و معتقدند روابط سیاستمداران با سازمان‌های مجرمانه بیشتر و وسیع‌تر از رابطه گروه تروریستی با مافیا است (قاسمی، ۱۳۹۶: ۵). برخی نیز تروریسم را صرفاً یکی از مصادیق خاص جرائم سازمان یافته دانسته و لذا رابطه بین این دو پدیده را در طول یکدیگر و غیر قابل تفکیک ارزیابی می‌کنند (masse, 2012: 94). با تصویب قطع‌نامه شورای امنیت در سال ۲۰۱۹ میلادی، جامعه جهانی ایجاد پیوند بین گروه مجرمانه سازمان یافته (ملی یا فراملی) با تروریسم را پدیده خطرناک و در حال تحقق دانسته و کشورهای عضو را به مبارزه با این پدیده ملزم نموده است.^۲ پیوند جرم و ترور شامل دو جزء مستقل اما مرتبط است: نخست، مشارکت مستقیم تروریست‌ها در اجرای اقدامات مجرمانه جهت تامین مالی فعالیت‌های خود؛ و دوم، همکاری عملیاتی و لجستیکی میان گروه‌های مجرمانه سازمان یافته و سازمان‌های تروریستی.

رابطه بین تروریسم و جرائم سازمان یافته رابطه‌ای در حال نوسان است که می‌تواند در سطح ملی و بین‌المللی متغیر باشد. ارتکاب جرم سازمان یافته شرط لازم یا کافی برای تروریسم نیست، اما به تروریسم کمک می‌کند در واقع به نظر می‌رسد که سازمان‌های جنایی و سیاسی ضمن الگوبرداری، فنون و راهبردهای یکدیگر را اتخاذ و اجرا می‌کنند (نمایان؛ شهبازی؛ قنبری، ۱۴۰۱: ۱۰). البته رابطه تروریسم و گروه مجرمانه سازمان یافته پدیده جدیدی نیست، لیکن پس از پایان جنگ سرد با افزایش تعداد دولت‌های کوچک و ضعیف، پیشرفت ارتباطات و تکنولوژی و تغییر سیاست کشورهای بزرگ در مواجهه با یکدیگر، ماهیت این روابط را تغییر داده و باعث

1. TOC(Transnational organized crime)

2. <https://digitallibrary.un.org/record/3813038?ln=en&v=pdf>

شد همکاری تروریسم و گروه‌های سازمان یافته در سطح ملی و بین‌المللی گسترده شود. بین گروه تروریستی و گروه مجرمانه سازمان یافته به خصوص از منظر هدف تفاوت اساسی وجود دارد و هدف گروه مجرمانه «کسب منفعت» و هدف تروریسم عموماً ایدئولوژیک است، اما تروریسم نیز برای تداوم موجودیت به منابع مالی نیاز دارد و از آن جاکه فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق مواد مخدر، تجارت سلاح، قاچاق انسان و ... بهترین راه برای کسب سود بالا در کوتاه مدت است، هم‌گرایی این دو گروه شکل می‌گیرد (Sarı, 2016: 48). تاکنون هیچ سند بین‌المللی در خصوص همکاری و هم‌گرایی تروریسم، جرائم سازمان یافته و ورزش مطرح نشده است، اما از آن‌جا که ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی فرهنگی همواره بازتابی از تحولات و تنش‌های جامعه بوده است و به مثابه میکروکوزم^۱ جامعه ساختارهای اجتماعی مانند سلسله مراتب قدرت، نابرابری‌ها و رقابت‌های گروهی (حساسیت‌های ملی‌گرایانه) را بازتولید می‌کند و طبق نظریه بازتابندگی گیدنز^۲ ورزش نیز هم‌چون دیگر پدیده‌های اجتماعی بر جامعه تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد (8: adams, 2010) و لذا ورزش مانند آینه‌ای است که شکاف‌های اجتماعی، تحولات سیاسی و چالش‌های اخلاقی یک جامعه را بزرگ‌نمایی می‌کند. این پیوند به قدری عمیق است که برخی محققان از جمله گالتونگ^۳ (جامعه‌شناس نروژی) و وایرینن^۴ (جامعه‌شناس فنلاندی) معتقدند درگیری‌ها و تحولات در ورزش منعکس‌کننده تعارض‌ها و تحولات در جامعه است (2: Selliaas, 2005). لذا می‌توان هم‌گرایی تروریسم و گروه مجرمانه را در بستر ورزش نیز مشاهده و تجربه کرد. در این نوشتار به لحاظ فقدان اسناد بین‌المللی در حوزه تروریسم و ورزش، سعی شده است برخی اسناد که در زمینه روابط تروریسم و گروه‌های سازمان یافته فراملی وجود دارد بررسی و با تعمیم آن‌ها به ورزش نسبت به ارائه هشدار به جامعه جهانی در خصوص سوء استفاده تروریسم از ورزش اقدام شود.

در گذشته رابطه ورزش و تروریسم صرفاً بحث حملات تروریستی به

۱. میکروکوزم (Microcosm) یک واژه یونانی است که معنای آن «جهان کوچک» است.

2. Anthony Giddens

3. Johan Vincent Galtung (24 October 1930 – 17 February 2024)

4. Raimo Veikko Antero Väyrynen

رویدادهای ورزشی، خطرات و تهدیدات تروریستی برای ورزشکاران و رویدادهای ورزشی مربوط بود که حوادث تروریستی المپیک‌های ۱۹۷۲^۱ و ۱۹۹۶^۲، حمله مسلحانه سال ۲۰۰۹ در لاهور به تیم کریکت سریلانکا^۳، حمله مسلحانه در آنگولا به تیم ملی فوتبال توگو^۴ و انفجارهای مسابقات دو ماراتن بوستون^۵ در سال ۲۰۱۳ مثال‌هایی از این دست بوده و نشان می‌دهد پتانسیل تبلیغاتی عظیم حمله به المپیک و مسابقات ورزشی ارزش بسیار بالایی برای گروه‌های تروریستی دارد، لیکن در سال‌های اخیر رویکرد گروه‌های تروریستی به ورزش تغییر یافته و تشکیل مثلث تروریسم، ورزش و گروه مجرمانه سازمان یافته باعث تغییر ماهیت روابط ورزش و تروریسم گشته و ورزش به عنوان ابزاری برای حمایت از تروریسم تبدیل شده است که جامعه جهانی ورزش به شدت نگران نتایج زیان‌بار این پیوند است^۶. وجود و چرخه نقدینگی بسیار بالا، عدم امکان نظارت کافی بر مسیر گردش وجوه در ورزش، وجود شرط‌بندی قانونی در برخی کشورها و عدم شفافیت مالی در این حوزه باعث شده است که ورزش از دو جنبه مورد توجه پدیده «جرم تروریسم» قرار گیرد: نخست، درآمدزایی مستقیم از ورزش؛ دوم، پول‌شویی عواید ناشی از اقدامات مجرمانه در بستر ورزش جهت تامین مالی تروریسم.

بر اساس مقدمه حاضر و به لحاظ آثار زیان‌بار سوء استفاده گروه‌های مجرمانه و تروریستی از ورزش و نگرانی جامعه جهانی، اهمیت بررسی نقش جرائم سازمان یافته ورزشی در تامین مالی تروریسم و نیز شناخت سازکار مقابله با آن ضرورت تحقیق حاضر را نشان می‌دهد، بر همین مبنا در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق مبنی بر چرایی و چگونگی حمایت مالی ورزش از تروریسم، ابتدا به شناخت ماهیت روابط گروه مجرمانه سازمان یافته و تروریسم در بستر ورزش پرداخته شده و سپس

1. <https://www.npr.org/2024/12/13/nx-s1-5126526/munich-1972-massacre-olympics-september-5>

2. <https://persi.euronews.com/2016/08/03/five-olympic-moments-that-shocked-the-world>

3. <https://www.isna.ir/news/8712-06582/>

4. CNN. 9 January 2010. Retrieved 10 January 2010.

5. https://www.bbc.com/persian/world/2013/04/130415_u10_boston_explosions

6. <https://www.un.org/counterterrorism/cct/countering-the-financing-of-terrorism>

سازکارهای مقابله با این پدیده مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. ماهیت تعامل تروریسم و گروه‌های مجرمانه جهت تامین مالی از

ورزش

تروریسم را می‌توان به عنوان روش خاصی از خشونت و یا تهدید به خشونت توصیف کرد که توسط طیف وسیعی از بازیگران دولتی و غیر دولتی انجام شده و اغلب مردم را هدف قرار می‌دهد (نمایان و سهراب‌بیگ؛ ۱۳۹۰: ۷) و گروه مجرمانه سازمان یافته از منظر کنوانسیون پالرمو^۱ به جرائم شدید یا جرائم خاص پیش‌بینی شده در کنوانسیون اطلاق می‌شود که توسط گروهی متشکل از سه نفر یا بیش‌تر و با هدف تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منفعت مالی یا مادی برای مدتی ارتکاب می‌یابد (مقیمی و میرزا آقایی؛ ۱۴۰۰: ۱). این دو گروه دارای شباهت‌هایی هستند از جمله هر دو مخفیانه و به صورت شبکه‌های زیرزمینی عمل می‌کنند؛ هر دو از ارباب، زور و خشونت علیه قربانیان غیر نظامی استفاده می‌کنند؛ کنترل هر دو نوع سازمان بر فرد و سرنوشت او شدید و حیاتی است؛ تاکتیک‌های مشابهی دارند (قتل، آدم‌ربایی و اخاذی) و به اشکال مختلف، هر دو از سازمان‌های به ظاهر مشروع نظیر سازمان‌های تجاری و خیریه‌ها استفاده می‌کنند (قاسمی؛ ۱۳۹۶: ۹۸).

با این تعریف، ورزش و رویدادهای بزرگ ورزشی در قالب «هدف تروریسم» و یا «هدف گروه‌های مجرمانه» دسته‌بندی می‌شوند؛ از سوی دیگر ورزش و به ویژه جنبش المپیک به عنوان یک تلاش بین‌المللی که به دنبال ارتقای صلح و هماهنگی است و همواره در تقابل با انواع اقدامات مجرمانه و خشونت‌گرایی قرار داشته و عموماً دو گزینه متضاد و مقابل هم طبقه‌بندی شده‌اند اما در عمل موقعیت‌هایی وجود دارد که ورزش و جرم به ظاهر متضاد دچار تعامل و هم‌سویی شده و اقدامات یکدیگر را پوشش می‌دهند و نقطه اساسی و زیربنایی این همکاری را باید در واژه «سیاست» جست‌وجو کرد؛ چرا که به‌رغم ادعا مبنی بر استقلال و دوری ورزش از سیاست، باید پذیرفت ورزش هم در دنیای معاصر و هم در دوران باستان مورد استثمار سیاست‌مداران بوده و هست (Richards & others, 2010:5). فلسفه اصلی ورزش

1. United Nations Convention against Transnational Organized Crime (Palermo, 2000)

نیز این بود که انسان یاد بگیرد سریع بدود، بپرد و شنا کند تا بتواند به طور مؤثرتری از خود و قبیله‌اش دفاع کند. فعالیت‌های ورزشی مانند تیراندازی، جودو، کاراته، ارابه‌رانی و سوارکاری نیز برای مقابله با حریفان ابداع شد و در واقع، صرفاً یک هدف از مسابقات ورزشی وجود داشت: «آمادگی برای جنگ» (Spivey, 2004: 18). در دوران معاصر نیز ورزش برای ترویج شور ملی و تقویت ملی‌گرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. قهرمانی ایتالیا در جام جهانی فوتبال در سال ۱۹۳۸ به عنوان عامل اتحاد مردم و رژیم موسولینی و برای ایجاد هویت ملی تلقی شد (Martin, 2004: 1) و یا اعطای میزبانی بازی‌های المپیک ۱۹۳۶ به برلین، فرصتی برای آدولف هیتلر فراهم کرد تا آلمان جدید را به نمایش بگذارد و این المپیک به یک نمایش تبلیغاتی عظیم تبدیل شد (Hilton, 2006: 11). هم‌چنین حذف برخی از کشورها از شرکت در رویدادهای ورزشی به بهانه‌های سیاسی، اوج دخالت سیاست در ورزش بر خلاف روح منشور المپیک است؛ لذا جریان داشتن اغراض و مقاصد سیاسی در حوزه ورزش امری اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر در تعریف پدیده تروریسم همواره واژه «سیاست» یک رکن اصلی و بازیگردان مرکزی تعیین می‌شود: «عمل تروریستی چه در قالب اقدام شخصی و چه به صورت دسته‌جمعی یک عمل سازمان یافته است که با طرح‌های هماهنگ شده به منظور دسترسی به هدفی خاص (سیاسی، مذهبی، قومی و ...) انجام می‌شود (جلالی، ۱۳۸۴: ۱۲)؛ از این رو ممکن است گروه‌های مجرمانه، تروریسم و ورزش بنا بر مصالح سیاسی، تقابل و تضاد را فراموش کرده و به تعامل و همکاری برسند.

در ابتدا لازم است مشخص شود که آیا تروریسم از مصادیق جرائم سازمان یافته محسوب می‌شود و یا ماهیتی جداگانه دارد. از آنجا که جامعه جهانی در تعریف تروریسم و جرم سازمان یافته به توافق نرسیده است، تعیین تروریسم به عنوان یکی از مصادیق جرائم سازمان یافته دشوار است و به نظر می‌رسد که سازمان‌های جنایی و تروریستی ضمن انفکاک و تفاوت در هدف، با الگوبرداری، فنون و راهبردهای یکدیگر را پوشش می‌دهند. عنصر اصلی جنایات تروریستی استفاده از خشونت است، اما جنایت سازمان یافته لزوماً شامل خشونت نمی‌شود و مشخصه گروه مجرمانه سازمان یافته فراملی، هدف آنان برای کسب سود (غیر قانونی) است که

متفاوت با اهداف گروه‌های تروریستی می‌باشد. البته باید اذعان داشت که مرز بین تروریسم و جرم سازمان یافته مبهم است؛ زیرا سازمان‌های تروریستی به دنبال تأمین مالی فعالیت‌های خود از طریق مشارکت در زمینه جرائم سازمان یافته هستند (Weisser, 2016: 128). در سال‌های اخیر خصوصاً پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای ارائه تعریف تروریسم به عنوان جرم سازمان یافته افزایش یافته، اما موفق نبوده است (نمایان؛ شهبازی؛ قنبری، ۱۴۰۱: ۲۷) و باید پذیرفت حقوق بین‌الملل تاکنون و به علت تفاوت در اهداف، به صورت قطعی تروریسم را به عنوان مصداق جرم سازمان یافته نپذیرفته و آن را به عنوان جرم خاص در نظر گرفته است و از آنجا که تروریسم معمولاً برای یک هدف سیاسی غیر نظامیان را هدف قرار داده و به گونه‌ای طراحی می‌شود که تأثیر روانی بالا و فوری داشته باشد؛ بنابراین می‌توان گفت برای تروریسم، ارسال پیام به جهانیان اهمیتی فراتر از تعداد قربانیان دارد. از آنجا که رویدادهای بزرگ ورزشی و المپیک یکی از مهم‌ترین رویدادهای رسانه‌ای جهانی هستند و هر گونه حمله تروریست‌ها به این مسابقات، دستاورد تبلیغاتی بی‌سابقه‌ای برای عاملان آن خواهد داشت، اما تروریسم علاوه بر انتفاع تبلیغاتی و شناساندن خود از طریق حمله به رویدادهای ورزشی، به دنبال کسب منفعت مالی از این صنعت پرطرفدار نیز هست و در مجموع، چه تروریسم از مصادیق جرائم سازمان یافته محسوب شود یا زیرمجموعه جرائم سازمانی نباشد، ماهیت ورود تروریسم به ورزش کسب منفعت مالی خواهد بود که در این خاصیت با گروه مجرمانه اشتراک هدف به وجود آمده و صرف نظر از ماهیت و چگونگی تعامل تروریسم و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته در جامعه، عبور تروریسم از ورزش بر دوش گروه‌های مجرمانه و با قصد تأمین مالی تروریسم صورت می‌گیرد و این ارتباط ممکن است از مسیر همکاری گروه تروریستی با گروه مجرمانه فعال در حوزه ورزش رخ دهد و یا در درجه بالاتر از همکاری، این رابطه آنچنان تقویت شود که گروه تروریستی و گروه مجرمانه سازمان یافته به هم‌گرایی رسیده و هویت واحد ایجاد نمایند که در این بخش از مقاله، به ماهیت تعامل سه جانبه تروریسم، جرم و ورزش می‌پردازیم.

۱-۱. تلاقی تروریسم و جرائم سازمان یافته ورزشی از مسیر همکاری

همکاری گروه‌های مجرمانه و تروریستی در حوزه ورزش صرفاً پیرامون مسائل مالی رخ می‌دهد. به طور کلی، سازمان‌های تروریستی ممکن است از طریق سوء استفاده از مؤسسات خیریه یا کسب و کارهای قانونی مانند بنگاه‌های شرط‌بندی ورزشی و یا روش‌های غیر قانونی مانند قاچاق مواد مخدر، بودجه جمع‌آوری کنند. مؤسسات خیریه یا سازمان‌های غیر انتفاعی و باشگاه‌های ورزشی دارای ویژگی‌هایی هستند که آن‌ها را برای تروریست‌ها جذاب می‌کند. آن‌ها از اعتماد عمومی برخوردارند؛ به منابع قابل توجهی از بودجه دسترسی داشته و اغلب فعالیت فراملی دارند که شرایط را برای عملیات ملی و بین‌المللی و تراکنش‌های مالی، اغلب در مناطق نزدیک به مراکز فعالیت‌های تروریستی فراهم می‌کند. هم‌چنین مؤسسات ورزشی نسبت به مؤسسات مالی یا شرکت‌های تجاری، مشمول الزامات نظارتی بسیار سبک‌تری هستند تا جایی که سازمان ملل در تدوین استانداردهای مبارزه با تامین مالی تروریسم، سوء استفاده از این‌گونه مؤسسات را به عنوان یک نقطه ضعف مهم در مبارزه جهانی برای متوقف کردن تروریست معرفی کرده است.^۱ صنعت ورزش به دلیل وجود فعالیت‌های اقتصادی و هم‌چنان گردش بالای نقدینگی در شرایط فقدان شفافیت حکمرانی، فقدان نظارت‌های دولتی و کنترل اجتماعی غیر رسمی به لحاظ مقبولیت اجتماعی، بستر مناسبی برای تامین مالی تروریسم محسوب می‌شود که این جذابیت باعث شده حجم همکاری گروه‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته از طریق ورزش افزایش یافته و مسیری جدید برای تامین مالی تروریسم ترسیم شود. هم‌چنین پس از همکاری تروریسم و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته و ایجاد درآمد، لازم است قسمت عمده؛ این درآمدها تطهیر شود لذا تروریسم در دو دهه اخیر در یافتن کانال‌های جدید برای شست‌وشوی درآمدهای حاصل از فعالیت‌های مجرمانه خود تغییراتی داشته و ورزش خصوصاً فوتبال را به عنوان یکی از بخش‌هایی که پول‌شویی را تسهیل می‌کند، انتخاب کرده است.^۲ تعیین ارزش اقتصادی کلی ورزش

1. FATF (2004), Typologies Report 2003-2004, FATF, Paris. [https://www.fatf-gafi.org /en/publications/Methodsand trends /Fatterroristfinancingtypologiesreport.html](https://www.fatf-gafi.org/en/publications/Methodsand trends /Fatterroristfinancingtypologiesreport.html)

2. FATF Report, Money Laundering through the Football Sector, July 2009. P 1

دشوار است، اما تخمین زده می‌شود صنعت ورزش حدود ۳/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص داده باشد.^۱ از سوی دیگر پول‌شویی در عرصه‌ها و حوزه‌هایی که ذی‌نفعان متعددی دارند و میزان محبوبیت و اقبال عمومی به آن‌ها بیشتر است و هم‌چنین مشاغل زیادی را در بر می‌گیرد، احتمال وقوع بیشتری دارد و با اندکی تأمل می‌توان ورزش را به مثابه چنین حوزه‌ای در نظر گرفت (دنیایی؛ حسینی؛ محمدی، ۱۳۹۸: ۱۸). عمده عوامل مؤثر در پول‌شویی شامل عوامل زمینه‌ای (مسمومیت فضای اقتصادی)، عوامل ساختاری (ناسالم بودن ساختار اقتصادی) و عوامل رفتاری (نبود نظارت شفاف بر امور مالی) معرفی می‌شوند (همان: ۳۰). با تخمین دفتر مبارزه جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد سالانه تقریباً یکصد و چهل میلیارد دلار پول‌شویی فقط در رشته ورزشی فوتبال رخ می‌دهد که بیشترین رقم آن در مسیر شرط‌بندی و قمار گزارش شده است (Abrahamyan, 2023: 22) و این رقم در کل صنعت ورزش بین هشتصد میلیارد تا دو تریلیون دلار تخمین زده شده است (Waly, 2021: 255) که قطعاً برای گروه‌های تروریستی نیز جذابیت خواهد داشت. سوء استفاده از ورزش برای حمایت از تروریسم می‌تواند از طریق سوء استفاده از دارایی‌های باشگاه‌ها، نفوذ اعضای گروه‌های تروریستی در مدیریت ورزشی، جابه‌جایی نقدینگی و سوء استفاده از نام و موقعیت باشگاه نیز رخ دهد. هم‌چنین گزارش‌هایی از وجود اپراتورهای دارای مجوز در رابطه با فعالیت‌های شرط‌بندی مشکوک در رویدادهای ورزشی که در سراسر جهان برگزار می‌شود، وجود دارد که حاکی از آن است که برخی از این رویدادها صرفاً برای اهداف پول‌شویی برای گروه‌های مجرمانه و یا تروریستی طراحی شده است؛ به عنوان مثال پلیس لندن طی بازرسی از خانه یک تروریست، کیف حامل حدود هفت هزار کارت پرداخت کشف کرد که بررسی تراکنش‌ها نشان داد همه آن‌ها برای فعالیت شرط‌بندی ورزشی آنلاین استفاده شده‌اند^۲ و هم‌چنین دولت آمریکا در سال ۲۰۱۹ پس از گزارش اف بی آی در مورد تامین مالی تروریست از ورزش در سوریه باشگاه الجزیره این کشور را به دلیل ارتباط با شبکه‌های تروریستی و با این استدلال که بخشی از درآمدهای باشگاه

1. <https://gis.sport/news/the-true-size-of-the-global-sports-industry/>

2. <https://www.gamblingcommission.gov.uk/print/The-money-laundering-and-terrorist-financing-risks-within-the-British-gambling-industry>

از طریق اسپانسرشیپ‌های مشکوک به گروه‌های تروریستی منتقل می‌شد تحریم کرد^۱. طبق گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵، برخی از اعضای هیأت مدیره باشگاه الاهلی طرابلس متهم شدند که از طریق برگزاری مسابقات نمایشی، برای داعش پول جمع‌آوری می‌کردند^۲ و علاوه بر آن، گزارش‌هایی از قاچاق سلاح و پول‌شویی عواید حاصل از قاچاق سلاح در ورزش کشورهای آفریقایی منتشر شده که طی آن در کشورهایمانند سومالی و مالی، برخی از مدیران ورزشی با گروه‌های شبه‌نظامی همکاری داشتند و از درآمدهای باشگاه‌ها برای خرید اسلحه استفاده می‌کردند و سازمان ملل در گزارشی در سال ۲۰۲۰ به این ارتباطات اشاره نمود که مثال مشخص آن باشگاه المرخیه در سومالی بود که توسط یک فرمانده نظامی اداره شده و مرکز قاچاق سلاح محسوب می‌شد^۳؛ لذا ورزش با همکاری گروه‌های مجرمانه از دو مسیر می‌تواند به تامین مالی تروریسم کمک کند: نخست، شست‌وشوی عواید ناشی از اقدامات مجرمانه گروه‌های تروریستی مانند قاچاق مواد مخدر، تجارت سلاح و قاچاق انسان؛ دوم، درآمدزایی از صنعت ورزش به خصوص از طریق انواع شرط‌بندی و قمار.

۲-۱. تلاقی تروریسم و جرائم سازمان یافته ورزشی از مسیر هم‌گرایی

تلاقی و ترکیب تروریسم و جرائم سازمان یافته فراملی، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مربوط به امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. «تزم‌گرایی» بیان می‌کند که سازمان‌های تروریستی و گروه مجرمانه در یک موجودیت واحد که ویژگی‌های هر دو گروه را به طور هم‌زمان نشان می‌دهد هم‌گرا می‌شوند (Makarenko, 2004: 132). در این حالت، تعیین ماهیت گروه به عنوان گروه تروریستی، با هدف دستیابی به موفقیت سیاسی یا ایدئولوژیک یا گروه مجرمانه که در پی منفعت مالی است دشوار می‌شود. در نظریه هم‌گرایی، هر دو هدف درهم تنیده هستند: گروه‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته تلاش می‌کنند تا «پناهگاه امن» سیاسی و سرزمینی به

1. <https://english.enabballadi.net/archives/2024/01/fines-impoverish-clubs-and-donot-control-syrian-football-riots/>

2. https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/s_2016_182.pdf

3. <https://somalia.un.org/en/124495-un-somalia-country-results-report-2020>

دست آورند؛ لذا تروریسم برای ایجاد یک «پناهگاه امن»، فعالیت‌های کاملاً مجرمانه انجام می‌دهد تا از طریق کسب منفعت مالی بیشتر به استقلال برسد و از سوی دیگر گروه‌های مجرمانه با فعالیت‌های تروریستی باعث ناپایداری دولت‌ها می‌شوند که برای گسترش فعالیت هر دو گروه نیاز است (Sari, 2016: 473) باید توجه داشت که «هم‌گرایی» در مرتبه بالاتر از همکاری قرار دارد، در همکاری هر یک از این گروه‌ها با حفظ هویت و استقلال خود انواع مختلفی از تعامل و هماهنگی را بروز می‌دهند اما در زمان هم‌گرایی دو گروه موجودیت واحد یافته و هویتی جدید خلق می‌شود در این شرایط انگیزه‌های اصلی گروه‌های تروریستی از سیاست و انگیزه‌های ایدئولوژی به اهداف جنایی کشیده می‌شود. فعالیت طالبان در افغانستان و تغییر هویت جبهه آزادی‌بخش آنگولا از این نوع هم‌گرایی هستند.

در بستر ورزش اصول این هم‌گرایی متفاوت است. کسب استقلال یا داشتن هویت سرزمینی نمی‌تواند در حوزه ورزش به عنوان مبنای هم‌گرایی تروریسم و جرم تعیین شود، بلکه تنها حلقه مشترک این هم‌گرایی کسب منفعت بیشتر است که باعث می‌شود چهره گروه مجرمانه نمود بیشتری در ورزش داشته باشد؛ چرا که هدف گروه سازمان یافته فراملی مطلقاً کسب منفعت است که البته این نمود نباید باعث غفلت حضور گروه تروریستی در ورزش شود. سود سرشاری که در شرط‌بندی‌های ورزشی وجود دارد و سهولت پول‌شویی در ورزش جذابیت خاصی دارد که می‌تواند مبنای هم‌گرایی سه جانبه جرم، تروریسم و ورزش شود. بر اساس تحقیقات سازمان ملل متحد، در راستای قطع‌نامه ۵۸/۱۳۶ - ۲۰۰۳ مجمع عمومی^۱، رابطه تنگاتنگ گروه‌های مجرمانه سازمان یافته با گروه‌های تروریستی رسماً تایید و جزو چالش‌های جامعه جهانی معرفی گردید^۲ و البته هر چند تا کنون گزارش مستندی دال بر هم‌گرایی گروه تروریستی با گروه سازمان یافته فراملی ثبت نشده است، اما برخی اقدامات و گستردگی روابط مالی بین تروریسم و برخی مجرمان فعال در حوزه ورزش می‌تواند

1. <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n03/502/74/pdf/n0350274.pdf>

2. International cooperation against terrorism and links between terrorism and other criminal activities in the context of the work of the United Nations Office on Drugs and Crime: working paper / prepared by the Secretariat. <https://digitallibrary.un.org/record/568734?ln=en&v=pdf>

زنگ خطری مبنی بر احتمال بالای تشکیل یک گروه تروریستی کاملاً ورزشی محسوب شود. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۷ یک مدیر ورزشی اندونزیایی به نام خالد علی السویدی (تبعه عربستان) که متهم به عضویت در گروه‌های تروریستی بود از طریق خرید باشگاه پرسیب باندونگ، اقدام به نفوذ در صنعت ورزش جنوب شرق آسیا و پول‌شویی برای شبکه‌های جهادی نمود که توسط پلیس اندونزی شناسایی شد.^۱

بر این اساس، هم‌گرایی بین نهادهای تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته بخشی از واقعیت پیچیده‌ای را نشان می‌دهد که منجر به تشکیل سازمانی که یک هدف سیاسی یا ایدئولوژیک را با هدف کسب سود از طریق فعالیت‌های غیرقانونی و استفاده از خشونت ترکیب کرده شده است.

۲. سازکارهای مقابله با تامین مالی تروریسم در بستر ورزش

اغلب دولت‌ها در گذشته، موضوع تروریسم را به صورت یک موضوع ملی و بومی ارزیابی کرده و احتمالاً به علت مسائل امنیتی تمایل کمتری به طرح آن در سطح بین‌المللی و سازمان‌های بزرگ جهانی مانند ملل متحد داشتند، اما شرایط جدید در عصر امروز، موضوع تروریسم را به یک پدیده بین‌المللی و فرامرزی تبدیل کرده است. با عنایت به این که گروه‌های تروریستی از طریق قاچاق اسلحه و مواد مخدر، پول‌شویی، استفاده از مقررات پناهندگی و جهان‌گردی و به کارگیری فناوری اطلاعات، دامنه فعالیت‌های خود را در سطح بین‌المللی گسترش داده‌اند؛ لذا مبارزه با آن نیز بعد بین‌المللی پیدا کرده است (بزرگمهری، ۱۳۹۰: ۱۸۳). هم‌چنین پیوند بین گروه مجرمانه سازمان یافته فراملی و تروریسم در اشکال و مظاهر مختلفی بروز یافته و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی را تشدید می‌کند و لذا شناخت راه‌هایی که از طریق آن جرائم سازمان یافته فراملی و تروریسم به یکدیگر مرتبط می‌شوند، برای بسیاری از کشورها به یک دغدغه اولویت‌دار تبدیل شده است. همان‌گونه که در قسمت اول اشاره شد، یکی از پیوندهای بین گروه مجرمانه سازمان یافته فراملی و تروریسم بستر ورزش است و هرچند ورزش در طول تاریخ نقش مهمی در انتشار ارزش‌های مثبت

1. <https://www.fatf-gafi.org/content/dam/fatf-gafi/reports/Ethnically-or-racially-motivated-terrorism-financing.pdf>

در سراسر جهان و در حوزه تمدن و فرهنگ، به ویژه برای جوانان داشته و می‌تواند نقش مثبتی در ترویج برابری جنسیتی، توانمندسازی افراد و تسهیل جهانی شدن و عاملی قدرتمند برای پیشگیری و مقابله با خشونت و افراط‌گرایی محسوب شود، اما بر اساس گزارش سال ۲۰۱۹ یورپل برخی عوامل به خصوص چرخه مالی بالا، فقدان نظارت مالی، ساختار غیر شفاف مدیریتی و گستردگی ورزش باعث شده است تا این پدیده بستری مناسب برای حمایت مستقیم و یا غیر مستقیم گروه‌های سازمان یافته مجرمانه از تروریسم شود.^۱ در همین راستا، قطع‌نامه ۲۱۹۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۱۴)^۲ در مورد تعامل تروریسم و جرائم فرامرزی و تأثیر آن بر صلح و امنیت بین‌المللی، از کشورها خواسته است تا رابطه بین جرائم سازمان یافته و تروریسم را شناسایی و معرفی نمایند که یکی از بسترهای همکاری بین جرائم سازمان یافته فراملی و تروریسم ورزش است؛ از این رو قسمت دوم مقاله به معرفی راهکارهای مقابله با این همکاری و یا هم‌گرایی می‌پردازد.

۲-۱. هماهنگی بین قوانین داخلی با کنوانسیون‌های بین‌المللی

بحث مبارزه جامعه جهانی با تروریسم سابقه دیرینه دارد، اما نقطه عطف این مبارزات پس از حوادث المپیک مونپخ است و از سال ۱۹۷۲ موضوع مبارزه با تروریسم در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از آن‌جا که آغاز این حرکت مجمع عمومی به علت وقوع حوادث تروریستی در بستر ورزش است، تاریخ شروع مبارزه با تروریسم در ورزش نیز می‌بایست از سال ۱۹۷۲ تعیین شود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۷۲ تا کنون بیش از هفتاد و هشت مصوبه و کنوانسیون در این حوزه دارد که نشان از عزم این سازمان در عرصه مبارزه با تروریسم دارد (مصفا و طاهرخانی، ۱۳۹۰: ۲۸۸) که قسمت قابل توجهی از مصوبات به رابطه تروریسم و جرائم سازمان یافته فراملی اشاره و یا اختصاص دارد و البته ناهماهنگی قوانین داخلی کشورها با اسناد بین‌المللی در مبارزه با تروریسم چالشی جدی در عرصه امنیت جهانی است. این تناقضات عمدتاً در چند حوزه اصلی خود را نشان می‌دهند که اولین چالش بحث اختلاف در شناسایی ماهیت و تعریف تروریسم

1. https://www.europol.europa.eu/cms/sites/default/files/documents/the_involvement_of_organised_crime_groups_in_sports_corruption.

2. <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n14/708/75/pdf/n1470875.pdf>

است و در حالی که برخی کشورها فعالیت‌های سیاسی مخالفان را تروریسم می‌دانند، اسناد بین‌المللی بر جداسازی مبارزات آزادی‌بخش تأکید دارند (Robert, 1981: 281) که موضوع حزب کارگران کردستان که در اتحادیه اروپا و آمریکا به عنوان گروه تروریستی شناخته می‌شود، اما برخی کشورهای خاورمیانه از آن حمایت می‌کنند می‌تواند به عنوان مثال بارز این اختلاف باشد. هم‌چنین قانون امنیت ملی چین (۲۰۱۵) اعتراضات مسالمت‌آمیز در هنگ‌کنگ را تروریسم تعریف می‌کند (Chopra & Pils, 2022: 294) و یا قانون ضد تروریسم مصر (۲۰۱۵) که هرگونه فعالیت مخالفان را تحت پوشش مبارزه با تروریسم محدود می‌کند^۱ که در تغایر با اسناد بین‌المللی است و هم‌چنین قوانین داخلی بسیاری کشورها از جمله اتحادیه اروپا نظارت گسترده بر ارتباطات (شنود) را محدود می‌کند^۲؛ در حالی که قطع‌نامه ۲۳۷۹ (۲۰۱۷) شورای امنیت خواستار دسترسی بیشتر به داده‌ها برای ردیابی تروریست‌هاست^۳ که در تضاد با قوانین اساسی کشور ما نیز هست^۴. مورد بعدی بحث همکاری قضایی بین‌المللی کشورها است. به عنوان مثال اصل سی و هشتم قانون اساسی ترکیه^۵ استرداد اتباع را ممنوع می‌کند؛ حتی اگر متهم به تروریسم باشد که باعث ایجاد خلل در راه مبارزه با تروریسم است؛ از این رو شناسایی حوزه‌های هم‌گرا در سیاست‌های ضد تروریسم و انتخاب راه حل‌های یکسان و هماهنگ منطقه‌ای و جهانی بسیار مهم است که در این مسیر توسعه مکانیسم‌های تطبیق‌پذیری در کنوانسیون‌های بین‌المللی و تقویت دیپلماسی قضایی برای کاهش اختلافات دادرسی و شفاف‌سازی و یکسان‌سازی فهرست‌های تروریستی با مشارکت سازمان‌های منطقه‌ای از اولویت‌های مقابله با توسعه تروریسم است و هم‌چنین ضرورت دارد در مسیر پیشگیری و مبارزه با این پدیده، سیاست‌ها و قوانین مربوط به حفظ حریم خصوصی افراد از جمله حمایت از

1. https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2015/09/Egypt_Anti-Terror_Law_Translation.pdf

2. Article 7 of the Charter of Fundamental Rights of the European Union

3. <https://main.un.org/securitycouncil/en/content/sres2379-2017>

۴. اصل بیست و پنجم: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

5. https://www.anayasa.gov.tr/media/7258/anayasa_eng.pdf

شاهدان و افشاگران تقویت و هماهنگ سازی گردد تا مسیر شناسایی حمایت مالی از تروریسم تسهیل شود. البته نگاهی دقیق تر به رفتار دولت‌ها نشان می‌دهد که وقایع تروریستی عمده به ویژه مواردی که در محدوده سرزمینی یک دولت اتفاق می‌افتد، تأثیری به مراتب بیشتر را نسبت به قطع‌نامه‌های مجمع عمومی بر تمایل آن دولت در توجه به تروریسم دارد و هر چند کنوانسیون‌های ضد تروریسم از دولت‌های عضو می‌خواهند که در تعقیب و مجازات متهمان با توجه به سازکار پیش بینی شده در این کنوانسیون‌ها، همکاری لازم را به عمل آورند و به نحوی رفتارکنند که هیچ مکان امنی برای تروریست‌ها وجود نداشته باشد، اما نظام‌های اجرایی که در کنوانسیون‌های ضد تروریسم پیش‌بینی شده، در مبارزه با تروریسم موفق نبودند و هماهنگی لازم بین قوانین داخلی و مصوبات بین‌المللی دیده نمی‌شود (کرم‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۵۹)؛ هم‌چنین یکی از ضعف‌های موجود در مسیر مبارزه با پدیده هم‌گرایی تروریسم و جرائم سازمان یافته در بستر ورزش، فقدان کنوانسیون بین‌المللی خاص در این حوزه است. این خلاء تاکنون با تعمیم مفاد کنوانسیون‌های موجود در این حوزه مانند پالرمو پوشانده شده است، اما نظر به ویژگی‌های صنعت ورزش و تمایز آن از دیگر پدیده‌های اجتماعی، ضرورت تنظیم و تصویب یک پیمان بین‌المللی ویژه و اهتمام کشورها در نگارش قوانین داخلی مرتبط را نشان می‌دهد.

۲-۲. مبارزه با فساد اداری در ورزش

ورزش از عوامل اصلی توسعه پایدار و حفظ صلح جهانی شناخته می‌شود، اما در دنیای امروزی ورزش توسط بازیگران فاسدی که به دنبال بهره‌برداری مالی و سیاسی از آن هستند به فساد کشیده شده است که پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای دارد (Waly, 2021: 3). فساد به عنوان استفاده از مناصب دولتی برای منافع شخصی و به عبارت دیگر، استفاده از موقعیت، رتبه یا منصب رسمی توسط صاحب منصب برای منافع شخصی خود تعریف شده است (Ma & oth-ers, 2022: 12) و فساد اداری در ورزش، رفتاری است که توسط مدیران، داوران، مسئولان یا کارکنان سازمان‌های ورزشی به صورت آگاهانه بروز داده می‌شود و طی آن، این افراد وظایف مختص خود را به گونه‌ای اجرا می‌کنند که کاملاً یا تا اندازه‌ای با اهداف و ارزش‌های اخلاقی باشگاه، سازمان، انجمن و یا رشته ورزشی مغایرت

دارد (Waite & Allen, 2003: 32). فساد مدیران ورزشی می‌تواند به عنوان عاملی برای تقویت رابطه مجرمان سازمان یافته فراملی و تروریسم عمل کند. شبکه‌های جنایی اغلب بر سطوح مختلف حمایت سیاسی تکیه می‌کنند و به دنبال آن هستند که بخش‌های تجاری و حوزه‌های مدیریت ورزشی را تحت نفوذ خود نگه دارند. به همین دلیل، باید اقدامات سخت‌گیرانه‌ای برای مبارزه با فساد اعمال شده و مدیران فاسد را از ورزش دور کرد. در ورزش از فساد مدیران به عنوان «موتور پیشران» شبکه‌های جنایی و تروریسم یاد می‌شود که به طور عمده از آن برای پول‌شویی دارایی‌های غیر قانونی استفاده می‌کنند (Rompuy, 2015: 6)؛ لذا یکی از مسیرهای بسیار پیشنهاد شده در خصوص دور کردن جرم و تروریسم از حیطه ورزش، حذف فساد اداری و مدیران فاسد می‌باشد که در کنوانسیون‌های بین‌المللی بارها به آن اشاره شده است. هرچند کنوانسیون مبارزه با فساد صراحتاً به ورزش اشاره نمی‌کند، اما مفاد آن می‌تواند پایه‌ای قوی برای توسعه اقدامات، ابزارها و مکانیسم‌های مربوط برای مقابله با انواع فساد ورزشی ایجاد کند. جرم‌انگاری برخی مصادیق فساد و ایجاد سیستم‌های موثر برای کشف، تحقیق و مجازات فساد و اقدامات پیشگیرانه از فساد در ورزش از جمله ترویج حکمرانی خوب و استانداردهای رفتار، بهبود سیستم‌های تدارکات و ارائه آموزش‌های ضد فساد از مواردی است که در گزارش جهانی فساد در ورزش مورد تاکید دفتر مبارزه با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد قرار گرفته است (همان: ۲۵). تهیه استانداردها و خط مشی می‌تواند به وضعیت همکاری بین ورزش و مقامات دولتی در تلاش برای پیشگیری و مبارزه با فساد در ورزش و حفظ ارزش‌ها، کمک کرده تا بستر برای نفوذ گروه‌های مجرمانه و تروریسم فراهم نشود و در این مسیر کشورهای متقاضی میزبانی رویدادهای ورزشی بین‌المللی و آن‌هایی که مقر سازمان‌های ورزشی بین‌المللی در آن‌ها قرار دارد باید نقش اصلی را ایفا کنند. از آنجایی که بیشتر سازمان‌های ورزشی بین‌المللی در کشورهای عضو شورای اروپا مستقر بوده و بیش از هفتاد درصد پست‌های رئیس و دبیرکل فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی در اختیار اروپایی‌ها قرار می‌گیرد و بسیاری از رویدادهای ورزشی بین‌المللی در کشورهای اروپایی برگزار می‌شود، نقش اتحادیه اروپا در این مبارزه پررنگ‌تر از دیگر کشورها خواهد بود (Frossard, 2016: 315). البته سازمان‌های

ورزشی ملی تمامی کشورها باید در ساختارهای قاره‌ای و بین‌المللی خود با شفاف سازی انتصابات و امور مالی، منافذ ایجاد فساد در ورزش را مسدود ساخته و با دخالت دادن ورزش کاران در تصمیم‌گیری‌ها به سلامت مدیریت ورزش کمک کنند. هم‌چنین باید از طریق تعریف برنامه‌های مسؤولیت اجتماعی به ارتقای اخلاق در ورزش کمک کرد. رسانه‌ها نیز در موقعیتی هستند که می‌توانند از مسیر آگاهی سازی در مورد فساد در ورزش، نقش فعالی در راه مبارزه با فساد اداری در ورزش داشته باشند.

۳-۲. شناسایی منابع مالی تروریسم در بستر ورزش

حوزه ورزش با درآمد بیش از یکصد و چهل میلیارد دلار در سال و ضعف‌های نظارتی، بستر مناسبی برای این اقدامات تروریسم است و لازم است با آن مقابله شود. به طور مثال پلیس اسپانیا شرکت‌هایی را که برای جنبش مسلحانه استقلال باسک^۱ در حوزه برخی ورزش‌ها و سرگرمی‌ها کسب درآمد می‌کردند شناسایی نمود که در یک سال بیش از سی میلیون دلار برای این گروه تروریستی ارسال نموده بود^۲. گروه اقدام مالی برای بار نخست در گزارش سال ۲۰۰۹ اذهان جامعه جهانی را به سوی این نکته معطوف نمود که ورزش به خصوص فوتبال یکی از حوزه‌های جذاب پول‌شویی است (Levy, 2015: 37). مشارکت گروه‌های تروریستی در حوزه‌هایی چون شرط‌بندی (سنتی و سایبری)، قمار و قاچاق مواد نیروزا باعث ایجاد درآمدهای قابل توجه برای ایشان می‌شود که غیر دولتی بودن مدیریت ورزش، گستردگی آن و سهولت پول‌شویی باعث شده است این بستر بیش از پیش مورد توجه گروه‌های تروریستی و مجرمانه قرار گیرد. طبق برخی گزارش‌ها دوازده درصد از درآمدهای داعش در موصل (۲۰۱۶) از فروش بلیت‌های تقلبی مسابقات بوده است^۳ و هم‌چنین گزارشاتی مبنی بر اقدام فدراسیون فوتبال افغانستان در سال ۲۰۱۹ راجع به انتقال بخشی از کمک‌های فیفا به حساب‌های طالبان منتشر شده است^۴ و در مجموع بر

1. Euskadi Ta Askatasuna (ETA)

2. https://www.oecd.org/en/publications/the-financial-war-on-terrorism_9789264106116-en.html

3. <https://www.kcl.ac.uk/news/spotlight/the-state-of-isis-finances-revealed-1>

4. <https://www.nytimes.com/2021/11/18/sports/soccer/afghanistan-soccer-taliban.html>

اساس اعلام کارگروه اقدام مالی^۱ تامین مالی تروریسم و پول‌شویی در حوزه ورزش از طریق سرمایه‌گذاری در باشگاه‌ها، نقل و انتقال بازیکنان، انواع شرط‌بندی، بلیت‌فروشی مسابقات، قراردادهای تبلیغاتی و حمایت‌گری و حق پخش تلویزیونی انجام می‌شود که لازم است این مبادی شناسایی و ارتباط آنان با تروریسم قطع شود (مشکات، ۱۳۹۹: ۵۶).

گروه‌های تروریستی و شبکه‌های افراطی در سال‌های اخیر از مالکیت باشگاه‌های ورزشی به عنوان ابزاری برای پول‌شویی، تبلیغات و تأمین مالی استفاده کرده‌اند. مواردی مانند مالکیت باشگاه المرخیه سومالی توسط گروه تروریستی الشباب^۲ و مدیریت باشگاه الاتحاد طرابلس و الاهلی بنغازی در لیبی توسط شبه نظامیان^۳ مثال‌هایی از این دست هستند. هم‌چنین اینترپل در سال ۲۰۲۱ اعلام داشت ۱۵ درصد از مسابقات دستکاری شده در آسیای جنوب شرقی (۲۰۱۸-۲۰۲۰) به شبکه‌های تروریستی مرتبط بودند و داعش از لیگ‌های عراق و سوریه سالانه دو تا سه میلیون دلار درآمد داشت؛^۴ از این رو لازم است با اقداماتی هم‌چون شفاف‌سازی مالکیت باشگاه‌ها، اعمال تحریم‌های هدفمند علیه باشگاه‌های مرتبط با تروریسم و نظارت بر نقل و انتقالات مالی در ورزش بر اساس استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی^۵ این مسیرها مسدود گردد که پروژه شفاف‌سازی مالکیت فیفا در سال ۲۰۲۵ به صورت جدی این موضوع را عملیاتی ساخته است.^۶

۴-۲. تقویت نهادهای مدنی

حاکمیت ورزش به صورت خودمختاری طراحی شده است و دخالت دولت‌ها در ورزش مخالف روح المپیک تعبیر می‌شود (Bayle, 2024: 36). خودمختاری ترکیبی از دو واژه یونانی auto و nomos به معنای «کسانی که قانون خود را وضع می‌کنند» است که مفهومی دیرینه در علوم اخلاقی است و به ویژه توسط امانوئل

1. Financial Action Task Force (FATF)

2. <https://somalia.un.org/en/124495-un-somalia-country-results-report-2020>

3. <https://docs.un.org/en/S/2016/209>

4. file:///C:/Users/Nimad/Downloads/I-FAMILIA_brochure_Sept2022.pdf

5. Financial Action Task Force (FATF)

6. <https://inside.fifa.com/official-documents/annual-report/2024/governance/legal-and-compliance>

کانت^۱ فیلسوف آلمانی قرن هجدهم توسعه یافت و بعدها در ورزش مورد استفاده قرار گرفت (Swaine, 2016: 8)، اما همان‌گونه که گفته شد مدیریت غیر دولتی ورزش بستر مناسبی برای ارتکاب جرائم سازمان یافته و تروریسم ایجاد خواهد کرد؛ لذا نیاز است دولت‌ها به شیوه‌ها و اشکال مختلف از جمله تقویت نهادهای مدنی این نقیصه را پوشش دهند؛ البته که اقدامات ضد تروریسم دولت‌ها ممکن است فعالیت و سازمان‌های مدنی را محدود کرده و نظارت بر آن‌ها را افزایش دهد که به معنی دخالت دولت در مدیریت ورزش تعبیر گردد و اقدامات ضد تروریسم بهانه‌ای شده است که دخالت دولت در امور نهادهای مدنی را افزایش دهد. در بسیاری مواقع شناخت تفاوت بین یک سازمان تروریستی و یک سازمان بین‌المللی مدنی دشوار شده و همواره این احتمال وجود دارد که قوانین مبارزه با تروریسم بر سازمان‌های غیر دولتی تأثیر منفی بگذارد (Mertus & Sajjad, 2008: 22). البته از آن‌جا که اثبات شده است جامعه مدنی سالم به عنوان سدی در برابر تروریسم عمل می‌کند و توسعه امنیت و آزادی‌های اجتماعی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد باعث ریشه‌کن شدن تفکرات تروریستی و تقویت حاکمیت دولت‌های مشروع خواهد شد، توصیه شده است تعادل بین امنیت جامعه و بقای سازمان‌های غیر دولتی و مبارزه با تروریسم از طریق تدوین قوانین مناسب حاصل شود (Adnan and others, 2020: 372)؛ بنابراین دولت‌ها می‌توانند ضمن تدوین سیاست‌های ضد تروریسم، نقش نهادهای مدنی در کمک به ریشه‌کنی تروریسم را پررنگ نموده و از طریق ترغیب نهادهای مدنی جهت به اشتراک گذاشتن اطلاعات و مشاهدات میدانی خود، مسیرهای پول‌شویی در ورزش را شناسایی و معرفی کنند و در نتیجه همکاری بین نهادهای مدنی فعال در حوزه ورزش و عوامل دولتی، قابلیت شناسایی جرائم سازمان یافته و تروریسم فراملی افزایش یابد. هم‌چنین کشورها می‌توانند با استفاده از تحلیل‌گران نهادهای مدنی که دارای منابع ارزشمندی از انواع اطلاعات هستند، تصویر جامع‌تری از نحوه تعامل گروه‌های مجرمانه سازمان یافته فراملی و تروریسم در بستر ورزش به دست آورده و مسیر مقابله با آن را هموارتر نمایند. به عنوان مثال جنبش «فوتبال

لیک^۱» انجمنی بود که تراکنش‌های مالی مشکوک در دنیای فوتبال حرفه‌ای اروپا را فاش کرده و ترفندهای مالیاتی برخی از بزرگترین ستاره‌های این قاره را افشا می‌کرد. برخی از اطلاعات که توسط این سایت جمع‌آوری شده شامل حدود هجده میلیون و ششصد هزار سند، از جمله قراردادها، ایمیل‌ها و صفحات گسترده است که توسط شصت روزنامه‌نگار از دوازده رسانه اروپایی استفاده می‌شد^۲ منجر به افشای فرار مالیاتی بازیکنان بزرگی چون رونالدو، مسی، زلاتان و ... گردید (ganji, 2022: 39) و هم‌چنین فعالیت سایت «باشگاهم را نجات بده»^۳ در انگلستان باعث شد مالکیت برخی شرکت‌های عربی و چینی که مشکوک به ارتباط با تروریسم بودند افشا و نهایتاً اتحادیه فوتبال انگلیس دستورالعمل «اعتبارسنجی مالکین باشگاه‌ها»^۴ را تصویب و اجرایی نمود.

۲-۵. شفافیت حکمرانی در ورزش

شفافیت حکمرانی به مفهوم ایجاد بستر برای دسترسی عمومی به اطلاعات در مورد یک موضوع و نظارت بر رفتار کارگزاران است که مستلزم ایجاد الزامات گزارش‌دهی در مورد استراتژی، عملیات، بودجه و امور مالی می‌باشد (Meijer, 2014: 65). مزیت اصلی شفافیت، کاهش هماهنگی اطلاعاتی بین بدنه حاکمیت ورزش و گروه‌های مجرمانه و تروریستی است به نحوی که فرصت کمتری برای پنهان کردن رفتارهای مجرمانه وجود داشته باشد (Geeraert, 2022: 21) و در دسترس بودن اطلاعات در واقع به ذینفعان و اشخاص ثالث مانند سازمان‌های غیر دولتی، رسانه‌ها و افشاگران فردی اجازه می‌دهد تا تخلفات یا موارد بالقوه آن را شناسایی کنند که نهایتاً ممکن است منجر به اقدامات انضباطی علیه متخلف و ایجاد شرمساری برای وی شده و باعث افزایش اعتماد عمومی به ورزش گردد (McCubbins & Schwart, 1984: 168). یکی از معضلات جهانی بحث عدم شفافیت در شناسایی و تفکیک مالکیت

1. Football Leaks

2. <https://www.elmundo.es/deportes/football-leaks/2016/12/05/5845c434468aeb060c8b4608.html>

3. Save Our Club

4. Owners' and Directors' Test

5. <https://www.premierleague.com/news/102375>

ذی‌نفع^۱ از مالکیت قانونی^۲ در حوزه‌های سرمایه‌گذاری است. مفهوم مالکیت ذی‌نفع در کشورهایی که از سیستم حقوق عمومی پیروی می‌کنند سرچشمه گرفته است که بیان می‌دارد: دو نوع مالکیت دارایی وجود دارد: نخست، مالکیت قانونی؛ و دوم، مالکیت ذی‌نفعی. مالک ذی‌نفع به اشخاصی اطلاق می‌شود که معیارهای مالکیت را بدون نیاز به شناسایی در قانون دارند. این افراد توانایی کنترل شرکت را داشته و به طور مستقیم یا غیر مستقیم سود فعالیت را دریافت می‌کنند؛ در حالی که اسناد شرکت به نام ایشان نمی‌باشد و در مفهوم مالکیت ذی‌نفع، یک امین یا امانت‌دار نقشی را به عنوان مدیر دارایی برای منافع ذی‌نفع واقعی ایفا می‌کند (Sihombing, 2023: 210). این پدیده در حوزه ورزش نیز بسیار مشاهده می‌شود. مالکیت سودمندی که به راحتی قابل ردیابی نیست، اقدامات غیر قانونی را تسهیل کرده و یکپارچگی بازارهای صنعت ورزش را تضعیف می‌کند. عدم شفافیت می‌تواند بستری برای فعالیت‌های مجرمانه و تروریستی در ورزش باشد که در نهایت منجر به پول‌شویی و حمایت مالی ورزش از تروریسم خواهد شد که کاملاً در تضاد با اهداف جنبش المپیک و ورزش است؛ لذا اگر جامعه جهانی انتظار دارد ورزش یکی از ارکان توسعه انسانی و اجتماعی باشد، باید قوانین حاکمیت ورزش و معیارهای پاسخ‌گویی مدیران ورزشی را بازنگری کرده و تمام قوانین جدید حول محور «شفافیت» وضع شود و نیاز است جامعه بشری به همان شیوه‌ای که ورزش را ایجاد کرده و به طور سیستماتیک به کمال فعلی رسانده است، از نظر حکمرانی نیز تکامل یافته و سیستمی ایجاد شود که تضمین شفافیت کامل، شناسایی مالکان واقعی و مشارکت عامه در نظارت بر آن باشد (Olivera, 2016: 15). در مجموع شفافیت در حکمرانی ورزش باعث کاهش فساد، افزایش مشارکت مردمی و بهبود کیفیت مدیریت می‌شود. کشورهایی مانند نروژ، آلمان و انگلیس با اجرای این اصول، به الگوهای موفق در مدیریت ورزش تبدیل شده‌اند و به عنوان مثال فدراسیون فوتبال نروژ از سال ۲۰۰۷ به بعد تمام قراردادهای مربیان، بازیکنان و اسپانسرها را به صورت عمومی منتشر می‌کند (Gammelsaeter & Jakobsen, 2008: 19) و یا در آلمان مناقصات مربوط به ساخت استادیوم‌های جام

1. Beneficial owner

2. legal ownership

جهانی ۲۰۰۶ به صورت شفاف انجام شد و تمام اسناد مالی آن قابل دسترسی است (Büttner et al, 2007: 5) و همچنین الزام افشای صورت‌های مالی و گزارش عملکرد سالیانه باشگاه‌های بزرگ ورزشی در انگلستان^۱ کمک بزرگی به شفافیت مالی و جلوگیری از ورود مالکان مشکوک به این عرصه نموده است.

1. <https://find-and-update.company-information.service.gov.uk/>

برآمد

۱- صنعت ورزش به دلیل فعالیت‌های اقتصادی نوین و هم‌چنین گردش بالای نقدینگی و در شرایط فقدان شفافیت، فقدان نظارت‌های دولتی و کنترل اجتماعی غیر رسمی و نیز به لحاظ مقبولیت اجتماعی، بستر مناسبی برای بروز و ظهور انواع فساد است. اهمیت این نوع از فساد زمانی دوچندان می‌شود که گستره آن از حوزه مرزهای سرزمینی فراتر رفته و در عرصه بین‌المللی و به صورت سازمان یافته بروز پیدا کرده و یا با تروریسم پیوند برقرار نماید.

۲- در سال‌های اخیر تعامل انواع گروه‌های مجرمانه با گروه‌های تروریستی در محدوده ورزش، بستر مناسبی برای پول‌شویی و تامین مالی تروریسم ایجاد نموده است. تاکنون سند بین‌المللی خاصی در این خصوص تدوین نشده و به طور عمده مفاد کنوانسیون‌هایی چون پالمو و مریدا در حوزه ورزش نیز استفاده می‌شود، اما واقعیت این است که تروریسم و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته با یکدیگر همکاری می‌کنند و حتی به هم‌گرایی و این تعامل در حوزه ورزش با محوریت منافع مالی رخ داده و زنگ خطری برای سلامت و اهداف جنبش المپیک محسوب می‌شود.

۳- صنعت ورزش دارای ویژگی‌هایی است که آن را برای تروریست‌ها جذاب می‌کند، ورزش از اعتماد عمومی برخوردار بوده، به منابع قابل توجهی از بودجه دسترسی داشته و فعالیت فراملی دارد که شرایط را برای عملیات ملی و بین‌المللی تروریستی و تراکنش‌های مالی، حتی در مناطق نزدیک به مراکز فعالیت‌های تروریستی فراهم می‌کند که وجود این شرایط ورزش را به ابزاری برای تامین مالی تروریسم تبدیل کرده است که علاوه بر وظیفه تامین مالی، بخش عمده‌ای از وظیفه تطهیر پول‌های ناشی از اقدامات مجرمانه مانند قاچاق مواد مخدر، خرید و فروش سلاح و تزریق آن‌ها به حامیان مالی تروریسم نیز بر عهده صنعت ورزش قرار دارد که وجود سایت‌ها و مؤسسات شرط‌بندی قانونی و تنوع بالای مخاطبان ورزش این مسیر را تسهیل می‌کند و ورود حامیان مالی گروه‌های تروریستی به باشگاه‌داری به ویژه در رشته فوتبال در جنوب شرق آسیا، خاورمیانه و آفریقا گزارش شده است.

۴- لازم است جامعه جهانی نسبت به طراحی انواع سازکارهای مقابله‌ای با این تعامل سه جانبه اهتمام ورزد که عمده محورهای این سازکار مقابله‌ای می‌تواند تقویت

هماهنگی بین قوانین داخلی با کنوانسیون‌های بین‌المللی، افزایش مبارزه با فساد اداری مدیران ورزشی، شناسایی منابع مالی تروریسم در بستر ورزش، ارتقاء نقش نهادهای مدنی و ایجاد حکمرانی شفاف در ورزش تعیین شود و تدوین و تصویب معاهده بین‌المللی ویژه مبارزه با تامین مالی تروریسم از طریق ورزش که مشتمل بر سازکارهای پیش‌گفته باشد قادر خواهد بود ورزش را از فساد سیستماتیک مورد نظر گروه‌های تروریستی خارج کرده و شرایط را برای ایجاد صلح جهانی که هدف اصلی جنبش المپیک است فراهم آورد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * بزرگمهری، مجید (۱۳۹۰)، «مبارزه با تروریسم در سازمان ملل متحد؛ تحلیلی از تعریف تروریسم و راه‌های مقابله با آن در کنوانسیون‌های مصوب مجمع عمومی»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۸.
- * حکیمی‌ها، سعید (۱۳۸۴)، «مقایسه تروریسم و جرم سازمان یافته»، مجله علوم انسانی (دانشگاه امام حسین)، شماره ۶۱.
- * جلالی، محمود (۱۳۸۴)، «تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی؛ دوره ۱۱، شماره ۵۲.
- * دنیایی، حسن و حسینی، سید عماد و محمدی، نصراله (۱۳۹۸)، «شناسایی عوامل مؤثر در پول‌شویی در ورزش»، مطالعات مدیریت ورزشی (پژوهش در علوم ورزشی)، دوره ۱۱، شماره ۵۵.
- * قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۶)، «تروریسم و جرائم سازمان یافته؛ مطالعه موردی پ.ک.ک»، مطالعات راهبردی؛ دوره ۲۰، شماره ۷۷.
- * کرم‌زاده، سیامک (۱۳۸۲): «نگاهی به اقدامات سازمان ملل در مقابله با تروریسم»، مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره ۳۸.
- * مشکات، سید مصطفی (۱۳۹۹)، «راهبرد گروه اقدام مالی (FATF) در قبال پول‌شویی در فوتبال»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۹، شماره ۳۳.
- * مصفا، نسرین و طاهرخانی، ستاره (۱۳۹۰)، «مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مقابله با تروریسم»، فصل‌نامه سیاست؛ دوره ۴۱، شماره ۳.
- * مقیمی، مهدی و میرزا آقایی، مهدی (۱۴۰۰)، «جرائم سازمان یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزای بین‌الملل با تأکید بر قوانین ایران»، فقه و حقوق نوین، دوره ۲، شماره ۸.
- * نامیان، پیمان و سهراب‌بیگ، محمد (۱۳۹۰)، «مبارزه با تروریسم؛ راهبردی مؤثر در تحقق صلح عادلانه جهانی»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۳.
- * نامیان، پیمان و شهبازی، مهدی و قنبری، امید (۱۴۰۱)، «بازپژوهی تعریف

تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته با گذشت دو دهه از حوادث تروریستی
 ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تعالی حقوق، سال سیزدهم، شماره ۱.
 ب. انگلیسی

* Abrahamyan, L. (2023), **Major International Competition Funding and Money Laundering Risks**. European Journal of Sport Sciences, 2(5), 20–25. <https://doi.org/10.24018/ejsport.2023.2.5.86>

* Adams, Matthew. (2010), **Reflexive self or reflexivity**. **Encyclopedia of Identity** 10.4135/9781412979306.n201. reflexivity, Sage

* Adnan Tawfiq Wrikat, Anas Mohd. Yunus, Najihah Abd Wahid (2020), **The Role of International Non-Governmental Organizations in Combating Terrorism in the Middle East**, International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, <http://dx.doi.org/10.6007/IJARBS/v10-i6/7307> DOI:10.6007/IJARBS/v10-i6/7307

* Bayle Emmanuel ,(2024), **Governance, Regulation and Management of Global Sport Organisations**. Published November 4, 2024 by Routledge, London, ISBN 9781032611198

* Büttner, Nicolas & Maennig, Wolfgang & Menßen, Marco. (2007), **Relationships between investment costs for infrastructure and for sport stadia: The case of the World Cup 2006 in Germany**. Zeitschrift für Verkehrswissenschaft. 78. 145-175.

* Chopra, S., & Pils, E. (2022), **The Hong Kong National Security Law and the Struggle over Rule of Law and Democracy in Hong Kong**. Federal Law Review, 50(3), 292-313. <https://doi.org/10.1177/0067205X221107410> (Original work published 2022)

* Frossard Stanislas, (2016), **Combating the risk of corruption in sport**, Global Corruption Report: Sport, Taylor & Francis eBooks ,lon-

don 2016

* Gammelsaeter, Hallgeir & Jakobsen, Stig-Erik. (2008), **Models of Organization in Norwegian Professional Soccer**. *European Sport Management Quarterly* - EUR SPORT MANAG Q. 8. 1-25. 10.1080/16184740701814365.

* Ganji, Sarath. (2022), **The Authoritarian's Guide to Football: The Reach and Repercussions of Qatar's Sports Empire**. *Journal of International Affairs*. 74. 37-62.

* Geeraert, Arnout (2020), **A rational choice perspective on good governance in sport: The necessity of rules of the game**. In *Good Governance in Sport*. Critical Reflections. Edited by Arnout Geeraert and Frank van Eekeren. London: Routledge, pp. 15–29

* Hilton, C. (2008), **Hitler's Olympics: The 1936 Berlin Olympic Games**. United Kingdom: Sutton.

* Levy, S. M. (2015), **Federal Money Laundering Regulation: Banking, Corporate, & Securities Compliance**, Wolters Kluwer.

* Ma, Jiazheng ,Guo, Bin , Yu, Yanghang. (2022), **Perception of Official Corruption, Satisfaction With Government Performance, and Subjective Wellbeing** -An Empirical Study From China, *Front. Psychol*, 13(4) ,PP1-16

* Makarenko, T. (2004), **The Crime-Terror Continuum: Tracing the Interplay between Transnational Organised Crime and Terrorism**. *Global Crime*, 6(1), 129–145. <https://doi.org/10.1080/1744057042000297025>

* Martin, S. (2004), **Football and Fascism: The National Game Under Mussolini**. United Kingdom: Berg Publishers.

* McCubbins, MD & Schwartz, T 1984, **'Congressional oversight overlooked: Police patrols versus fire alarms'**, *American Journal of*

Political Science, vol. 28, no. 1, pp. 165–179. doi:10.2307/2110792

* Meijer, A (2014), **‘Transparency’**, in **M Bovens, RE Goodin & T Schillemans** (eds), *The Oxford handbook of public accountability*, University Press, Oxford, pp. 507–24.

* Mertus, J., and Sajjad, T. (2008), **“Human Rights and Human Insecurity: The Contributions of US Counterterrorism.”** *Journal of Human Rights* 7:1-23

* Olivera, Raí Souza Vieira, (2016), **Global Corruption Report: Sport**, Published by Routledge, London, ISBN 9781138905924, Published by Routledge, London, ISBN 9781138708310

* Richards, A., Fussey, P., & Silke, A. (Eds.). (2010). **Terrorism and the Olympics: Major Event Security and Lessons for the Future** (1st ed.). Routledge. London. <https://doi.org/10.4324/9780203835227>

* Robert A. Friedlander, (1981), **Terrorism and National Liberation Movements: Can Rights Derive from Wrongs**, 13 *Case W. Res. J. Int'l L.* 281 Available at: <https://scholarlycommons.law.case.edu/jil/vol13/iss2/2>

* Sarı, İ. (2016), **The Nexus Between TERRORISM AND ORGANIZED CRIME; GROWING THREAT.** *Uyuşmazlık Mahkemesi Dergisi*(6), 463-503

* Selliaas, A. (2005), **From internationalization of terrorism to the internationalization of anti-terrorism: The role of the Summer Olympic Games.** Norwegian Institute of International Affairs (NUPI). <http://hdl.handle.net/11250/2395415>

* Sihombing, J. A. (2023), **Beneficial ownership: Transparency as an effort to prevent and eradicate money laundering and its impact on investment markets.** *Policy, Law, Notary and Regulatory Issues*, 2(3), 208-218.

* Spivey, Nigel,(2004), **The Ancient Olympics**, Oxford University Press, 2004, New York

* Swaine, L. (2016), **the origins of autonomy. history of political thought**, 37(2), 216–237. <http://www.jstor.org/stable/26228692>

* Waite, D. Allen, D. (2003), **“Corruption and Abuse of Power in Educational Administration”**. *The Urban Review*, 35(4): 281-296.

* Waly, G. (2021), **Global Report on Corruption in Sport**. https://www.unodc.org/documents/corruption/Publications//Global_Report_on_Corruption_in_Sport_Full_report.pdf, last visit: 07-07-2024

* Weisser, Bettina,(2016), **'Transnational Organised Crime and Terrorism'**, in Pierre Hauck, and Sven Peterke (eds), *International Law and Transnational Organised Crime* ; online edn, Oxford Academic) <https://doi.org/10.1093/law/9780198733737.003.0005>.